

دکتر مجتبی سلطانی



مقال بی آمده در پاسخ به اظهارات فردی به نام حمید آصفی به نگارش در آمده که گاه باسختگوی سابق وزارت امور خارجه اشتباه گرفته می شود ایا این همه آنچه می خوانید نه پاسخ به نامبرده که نقد شکلی از ایزد سیمون نمایی و پاره‌ای تصورات است که در فضای مجازای مورد تبلیغ قرار می گیرد.

طرح مسئله

اخیراً متنی تحت عنوان «باز هر سه کودتای عربی» به قلم فردی که تشابه اسمی اش با سختگوی سابق وزارت خارجه، فراوان موجب بهره گیری سوء شده و بر شهرتش افزوده، در شبکه های اجتماعی بازنشر شده است. در این متن که آشکارا به سود اسرائیل غاصب و قصاب، مقاومت علیه جنایتکاران صهیونیسم به سخره گرفته شده؛ ادعا می شود ساختن آینده ایران مانند جهان عرب، در گرو دوری از مقاومت و پذیرش تسلیم به عنوان بازگشت به عقل قرار دارا البته ششیرین زبانی اسرائیل پسند هم شده که ایران با روضه و خطبه های جمعه و مصوبه های مجلس و غنی سازی اورانیوم و... نمی تواند وارد دنیای علم و فناوری و آینده شود؛ ایران در توهم رهبری امت اسلامی به سر می برد؛ محور مقاومت دیگر برند مقبولی نیست و حتی فلسطین هم به ایران اعتماد ندارد؛ ایا مثلا نکته گویی ادبی و قلمی نیز شده که ایران پایان خطابه را در نیافته و هنوز نفت زانومسی می داند؛ در حالی که عرب ها از ایا وسیله ساخته اند برای رسیدن به پسانفت. مثل حرف های یک شاهي صنار تکراری قبلی چند دعوی قدیمی و ۲۷ ساله ایزد سیمون خارج و داخل نیز شعار تکمیلی سر داده شده و حکم فرموده شده که راه حل، تسلیم به اسرائیل و امریکاست؛ البته با زورق خود فریبانه توسعه با اپوستن به جهان».

در حالات یک مدعی

نویسنده متن مزبور، یک روزنامه نگار ایزد سیمون کمپایه و کم سواد است با سابقه چپ التقاطی، سمیات مجاهدین خلق و طیف چپ نهضت آزادی و گروه عزت سحلی که از گرایش سوپروسوسیالیستی به گرایش سوپرلیبرالی تغییر جهت داده است؛ اوی حتی نظیر برخی هم تانیاش، در روزنامه زرد رنگ شبکه های اجتماعی که مدعی سوابق آکادمیک اند؛ در دعوی خود خوانده روزنامه نگاری، از دانش سیاسی و سابقه علمی خاصی برخوردار نیست که اگر هم بود، توفیر نمی کرد. او به عنوان یک یادداشت نویس رادیکال در بین دهها فرد مشابه موسوم به روزنامه نگار ایزد سیمون خارج و داخل، مدتی است که در شبکه های اجتماعی، فعال و نسبتاً شناخته شده است.

وی در یادداشت مزبور و شبیه آن، مانند عوام کالعام، بروپاگاندا یی و پوک و پوچ برستان و امارات در نمایش و پرتیزی توسعه کاذب، توخالی و دست ساز کمپانی های غربی -عبری الیگارشی صهیونی را بزواک می دهد؛ با ردیف کردن گزاره های نادرست، دروغین، جعلی، نامعتبر، اغراق شده، مخلوط اندکی راست و انبوهی ناراست، با منطق کوچک پارازی به سبک قیلم، سرلای های هالیوودی با بیودی و خالی بودی، با ژست حسرت خورای سانتیمانتال جماعت رعیت به اشتراقت ارباب، به روزنار تسلیم زرد سفارشی و نظیر تبلیغات عوام فریبانه بنگاه های روابط عمومی و تبلیغ تجاری.

پاسخی به سباق مدعی

به سباق متن مزبور می توان گفت: در جهانی که سلیگون امارات محمول و ساخته شرکت های امریکایی -اسرائیلی به پول نفت این کشور و تماما در خدمت پروژه های صهیونی است و اساسا موجودیت و منافع این پروژه و سایر پروژه های دهان پر کن آن، ربطی به مردم بومی امارات و حتی شیوخ بدبخت ظاهر احکام این هفت رازهن نشین درندسلار ندارد؛ آن هم در کشورش جعلی که برخی پژوهشگران عرب به قدری آن را اسرائیل دوم یا ایالت ۵۲ امریکا می دانند، بعد از ایالت ۵۱ به نام اسرائیل؛ در جهانی که شیوخ و شهودت نجیف که نفت عربستان را امکود در خدمت اقتصاد داخلی امریکا و برون سیاری برخی پروژه های کمپانی های غربی در خاک حجاز است و شوافه های تا نام نمایشی هوش مصنوعی، نمود و تنها به کار سرگرمی و خود نمایی و فخر فروشی های کاذب کله یک مشت قبیله دست نشانده بومی می آید؛ در جهانی که نظام سیاسی و اقتصادی بین المللی مانند دبلیو. تی. او و معاهدات جهانی به دست ترامپ مدفون شده اند؛ در چنین جهانی، فقط یک ذهن موهوم و خیالی باقی می تواند تخیلات و اوامی در حد مجلات حل جدول و خالزرتکی رسواگر پسننوهای اراذل و اوباش و مطرب های موسوم به سلبریتی را سرهم بندی کند و قصه های کارتونی و دیزنی بسند با عنوان تحلیل و تجلیل «سه کودتای آرام عربی» بسازد و پیرزاد و منتشر کند. سه کودتای: «عبور از مقاومت مر سوم ناصر یسم به تئولیر ایسم، عبور از نفت به فناوری، عبور از انقلاب به فرم و رقابت». تک تک عبارات و جملات این متن و این نوع سنار نونویسی های مبتذل و عقابنتیستیز، نادرست و آکنده از سنسلفه و مغالطه که در تشریح دقیق اغلاط و آکاذیب آن مجال دیگری می طلبد.

اما احساسا و خلاصه می توان چنین گفت: نه بسیاری از ملت ها و روشن فکران جهان عرب، پسازآن شده اند و از گفتمان مقاومت دست کشیده اند؛ چه مقاومت عربی در بند ناصریسم، نماد و در طریق مقاومت روح الهی خمینی تعالی و تداوم یافت و نه دست نشانده گان امریکا و مرعوبان اسرائیل در کلیتو کر اسی های جهان عرب، توانسته اند؛ از نفت به فناوری عبور کنند. آنها فقط عابر بانک علمی کمپانی های صهیونی شده اند و نه جران زنده، قوی و روبه رشد مطالبه مردمی انقلاب و دگرگونی عمیق و ساختاری برای عبور از انحطاط و ایستگی، در بسیاری از کشورهای عربی متوقف شده است. انقلاب در برخی جوامع عربی، آتش زیر خاکستر است و منتظر زمان مناسب، ضامن در ده های پیشین جهان عرب؛ ای واقع انقلاب هایی حقیقی در کار نبوده که حال از مرگ آنها ابراز زل زل شده ای شود، بلکه غالبا اسپه های بی سمنام به انقلاب وجود داشتند. آنها که پیر شدند و سوختند، شبیه انقلاب های کذب بودند. در جهان اسلام، فقط انقلاب اسلامی ایران، حقیقتا و واقعا انقلاب است که پس از ۴۷ سال و در اوج سرزندگی و نشاط، به بلوغ، بختگی و کمال رسیده و دهن و ضمیر و قلوب آزادگان جهان عرب را نیز البته به مدد جوشن اخیر گفتمان مقاومت فلسطینی، لبنانی و یمنی تسخیر کرده است. همچنان که افکار عمومی همه آزادگان جهان از گفتمان مقاومت در برابر ظلم و سطهت ایستینی اسرائیل - امریکا، همدل و همراه شده اند.

روز بافر و سنی، با نظر به آسمان خراش های کشورهای عربی

عربی در خلاف واقعات مشهود منطقه و جهان افرادی مانند نویسنده متن مزبور، غارت منابع و ثروت سعودی و امارات و امثالهم و سرریز اندکی از آنها در ساخت چند «پروک -محرک - منطقه» های بر زرق



۲۲ بهمن ۱۴۰۴، تظاهرات آزادیخواهان عظیم در تهران

مقابله با گفتمان مقاومت علیه اسرائیل در نوشتاری با گزاره تخیلی ۳ کودتای عربی!

رستاخیز ۲۲ دی و ۲۲ بهمن باطل السحر توهمات مجازی

دنیای ااران را فراهم خواهد ساخت؛ برای هیچ انسان آزاده و فرهیخته ای در هیچ جای جهان جاذبه و ارزشی ندارد.

کلام آخر

امثال نویسنده متن مزبور که با گنده گویی و تلخ گویی و تندگویی علیه نظام، شللق بازی و جلب توجه و معر که گیری می کنند، در قیاس با کله گنده های سابقون نظام ستیز مانند بختیار و بنی صدر و سنجابی و رجوسی و امثالهم، چیزی جز خرده شیشه پراکن و نشخوار کننده دست چندم کهنه ژورنالیست هایی مانند مصباح زاده و نسوری زاده، نوکران خانه براد پهلوی و نوچه بیچاره های مانند اصغر رضاشا پورو مهدی نصیری حق باز و دلگت صفت هم حساب نمی شوند و در مضحکه فرو رهاوهی ژورنالیسم ایران ستیز ایزد سیمون، عددی نیستند. اینک در میانه این معر که شهر فرنگ و جنگ رسانه ای علیه نظام، برخی سایت های ضد انقلاب و ایزد سیمون خارج که نویسنده متن مزبور را به نام تحلیلگر سیاسی به مخاطب قالب می کنند، وی را بدون اشاره به جرائمش در هم کاری با گروه های تروریستی دهه ۶۰ و تفنگرانی و آشوبگری رسانه ای در آشوب های دهه های ۷۰ می بعد، چنین معرفی کرده اند: «وی از بدو پیروزی انقلاب، با جریانات چپ مذهبی نوگرا فعالیت سیاسی داشته و در دهه ۶۰، چند بار بازداشت و زندانی شده است. بازداشت و زندانی بودن ایشان، همچنین در دهه های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ نیز ادامه داشته است. در حوزه نظری نگاهش به مذهب، نگاهی سکولار است و مذهب را امری خصوصی می شناسد و از دهه ۶۰ به بعد، به جدایی کامل دین و حکومت عمیقا اعتقاد پیدا کرده است...» این شوریدهبخت که در نظر برخی از ضدانقلابیون مقیم خارج، قلمزین ایزد سیمون با ستوریزه مقیم داخل نامیده می شود، مانند اغلب معاندان زخم خورده از انقلاب و نظام که معمولا عقده های خویشت را در لباس عقیده به خورد دیگران می دهند، در حد یک ژورنالیست عصبی کینه زور علیه نظام جمهوری اسلامی، مواضع آشکاری علیه فرهنگ مقاومت و گفتمان مشترک «امام خمینی - امام موسی صدر - سید حسن نصرالله» دارد و فعلا به سبک و اندازه خویش و در قالب طیف ملی - مذهبی، با پروژه سکولاریسم و براندازی جمهوری اسلامی، همراهی و همکاری می کند.

در حالی که دوست و دشمن بر این باورند، ایران بزرگترین دشمن اسرائیل است و به تصریح امام موسی صدر: «اسرائیل شر مطلق است و اگر شیطان با اسرائیل بجنگد، ما در کنار



تظاهرات چند ده میلیونی سراسری ۲۲ دی و ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، این واقعبت در خشان را از نو برجسته ساخت که «هسته سخت» جمهوری اسلامی، از دهها میلیون انسان صورت بصیر و خبیر استحکام یافته است. آن اندک شماران خودکارت بز پندار که شبانه روز به شمارش معکوس بر اندازی نظام مشغولند، در این صف بندی روشن احرار ایران در برابر اشرا صهیون، چه با ایران، یا بر آن باشند، فقط عرض خود می برند و زحمت ما می دارند

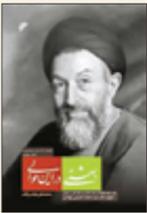
و علیه اسرائیل واوهم جنگید»؛ در منظر ملی - مذهبی ها و بقیه ایزد سیمون سکولار مدعی روشن فکری دینی، نظام جمهوری اسلامی به یک نظام نامشروع تبدیل شده است؛

آن گوی تصویر خوشتن در آینه را به نظام منتسب و آن را تلویحا و تصریحا در صورت شیطان توصیف می کنند؛ او اینکه این تحلیل و تفسیر و اینته بی هویتی -ایدئولوژیک آنتاگونیستی و واقعبت ستیز و کین روزانه از نظام، نزد مدعیان روشن فکری دینی که گاهی از نام امام موسی صدر سناو نیز می سازند، مفروض تلقی شود، طبق منطق روشن امام موسی صدر، حتی بر فرض تحمل آن تهمت محال و سخیف ایزد سیمون، باز هم خوراج و کین اندیشان و متوهمان مدعی روشن فکری دینی و متمسک به نام ملی - مذهبی، باید در کنار همین نظام، علیه اسرائیل متوحش مخدوم امریکا بچنگند و پشت جمهوری اسلامی را در مقابله با شر مطلق جهان کنونی خالی نکنند و از پس و پیش به پیکرش خنجر خیانت زنند و در پی تخریب و تقعیفش بر نیانند. البته آنگونه مدعیان چه باشند یا نباشند، چه بخوانند یا نخوانند، چه ببینند یا نبینند، چه بگویند یا نگویند، چه تأیید کنند یا تکذیب، با دست الهی ایران اسرائیل غدار خون بار سرایشی بی بازگشت نابودی و اضمحلال فرغ نشیده است. طرفه آنکه حضور و حمایت گسترده و مستمر و پایدار اکثر مردم در حمایت از نظام بر آمده از انقلاب خودشان و از جمله آخرین تظاهرات چند ده میلیونی سراسری ۲۲ دی و ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، این واقعبت در خشان را از نو برجسته ساخت که «هسته سخت» جمهوری اسلامی ایران، از دهها میلیون لسان بصیر و بصیر و خبیر ساخته شده و متوهم که شبانه روز به شمارش معکوس سقوط و بر اندازی نظام مشغولند، در این صف بندی روشن احرار ایران در برابر اشرا صهیون، چه با ایران، یا بر آن باشند، یا نباشند و در مقابل اسرائیل شرطقلی خمش امریکای تروریست ایستینستیز، چنگال به رخ نظام جمهوری اسلامی بکشند؛ فقط عرض خود می برند و زحمت ما می دارند. با آنکه بر همه معاندان انقلاب خدایی خمینی خردمند و خلمنه ای خبیر از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، بارها اثبات شده عرصه سیرمغز حوله گانه آنان است و با خاک پاشیدن بر رخ خورشید و یاهو گویی های کافران، نور خدایی خاموشی نگید.

بَرِیُونِ لَیْلَتِیْوَ اَنْوَرِ اللّهِ بِاَوْجَاهِهِمْ وَ اللّهُ مَیْمَنُهُ وَهُوَ کَرِهُ الْکَافِرُونَ (سوره احزاب)

سیاست بزوه و نویسنده «خط سازش»

سمانه صادقی



دفتر نشر فرهنگ اسلامی در سالیان اخیر، مجموعا ه آشاری را در بازشناسی حیات و آرای علامان زرف اندیش شیعه در دوران معاصر منتشر می کند. این مجموعه که تحت عنوان «قله ها به آسمان نزدیک ترند» سامان یافته، در چهارچام گام خویش به زندگی و زمانه شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی رسیده است. محمدعلی عباسی اقدام، مؤلف این مجموعه، در دیباچه خویش بر این دفتر، در باب ضرورت انجام این پژوهش ها و نیز انتشار آنها، به نکات بی امده اشارت برده است: «تاکنون درباره جایگاه علمی و منزلت اجتماعی علما و نیز درباره فعالیت های مذهبی سیاسی و فرهنگی این قشر فرهیخته و تأثیر گذار، مطالب زیادی نوشته شده است که به نوبه خود حائز اهمیت است. در این میان آنچه که کمتر است، نحوه زیست و به تعبیری سبک زندگی علما، به ویژه علمای شناخته شده و برجسته است. متأسفانه در میان آثار نوشته شده درباره علمای ربانی، انطور که باید به سبک و شیوه زندگی این عزیزان پرداخته نشده و نحوه رفتار و کردارشان از نگاه عامه مردم به ویژه جوانان پنهان مانده است. به همین دلیل ارتباط نسل جدید با این بزرگان، رفته رفته کم رنگ تر شده است. به تعبیر مقام معظم رهبری: «واقعا جوانان ما و خیلی از مردم ما، خصوصیات اخلاقی و منش ها و رفتارهای این بزرگان را نمی شناسند؛ (اگر) بشناسند، محبت اینها در دل شان جاگیر می شود و خیلی لازم است که این کار انجام



۱۳۵۹. دفتر رئیس دیوان عالی کشور، گفت و شنود مطبوعاتی شهید آیت الله دکتر سید محمد بهشتی

بگیرد... زندگی علما و عرفای نام آشنا، سرشار از نکته های ناب، عبرت آموز و ثمر بخش است. آشنایی و انس با سبک زندگی و سیره عملی این بزرگان، می تواند فرصت تازه ای برای نفس کشیدن و بهتر زیستن پیش روی ما بگشاید و الگو و سرمشق خوبی برای علاقه مندان و سالکان حقیقی باشد. مجموعه «قله ها به آسمان نزدیک ترند»، سسری گذرا به زندگی ایران، از دهها میلیون لسان بصیر و بصیر و خبیر ساخته شده و متوهم که شبانه روز به شمارش معکوس سقوط و بر اندازی نظام مشغولند، در این صف بندی روشن احرار ایران در برابر اشرا صهیون، چه با ایران، یا بر آن باشند، یا نباشند و در مقابل اسرائیل شرطقلی خمش امریکای تروریست ایستینستیز، چنگال به رخ نظام جمهوری اسلامی بکشند؛ فقط عرض خود می برند و زحمت ما می دارند. با آنکه بر همه معاندان انقلاب خدایی خمینی خردمند و خلمنه ای خبیر از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۴، بارها اثبات شده عرصه سیرمغز حوله گانه آنان است و با خاک پاشیدن بر رخ خورشید و یاهو گویی های کافران، نور خدایی خاموشی نگید.

بَرِیُونِ لَیْلَتِیْوَ اَنْوَرِ اللّهِ بِاَوْجَاهِهِمْ وَ اللّهُ مَیْمَنُهُ وَهُوَ کَرِهُ الْکَافِرُونَ (سوره احزاب)

نظرو گذری بر «بهشتی در این حوالی»

او ۳۵ تشکل را تأسیس و مدیریت کرد

مورد اشارت قرار دهد؛ امری که به نوعی معرفی بهشتی از زبان او نیز است: «دفتر چهارم این مجموعه، درباره سبک زندگی و شیوه زیست آیت الله سید محمد حسینی بهشتی و بیان برخی دیدگاه ها و نظرات و فعالیت های این شخصیت بزرگ است. آیت الله معاصر از جایگاه و مرتبت بالا و باشکوهی برخوردار است. از همان سال های نخست ورود به حوزه علمیه صدر اصفهان، تیزهوشی و متفاوت بودنش بر همگان معلوم و مشخص شد و آنگاه که به حوزه علمیه قم پا گذاشت و در مدرسه حجتیه مستقر شد، در محضر آیت الله محقق داماد خوش درخشید؛ آنقدر که تعجب همگان را برانگیخت. به تعبیر: تیزهوشی، فراست و درایتش، مثل بمب در حوزه علمیه قم، بیش از پیش به فلسفه علاقه مند شد. برای ادامه تحصیل عزیمت به انگلستان را داشت که در محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی راه یافت. این آشنایی؛ مسیر زندگی سید محمد حسینی بهشتی را تغییر داد و جهت تلاش را در فعالیت های او را عوض کرد. بهشتی در این حوالی، داستان زندگی سید محمد حسینی بهشتی را تغییر داد و جهت حسینی بهشتی است. مردی که زندگی اش، با کار دسته جمعی و تشکیلاتی گره خورده است. مرد خوش فکر و با درایتی که در طول عمر نسبتا کوتاه خود، بیش از ۳۵ تشکل فرهنگی، تحقیقاتی و سیاسی را طراحی، راه اندازی، هدایت و مدیریت کرد. این دفتر، داستان هجرت دکتر بهشتی به کرد، برای تبلیغ دین و رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان است. قصه مهاجرت و اقامت پنج ساله بهشتی در هامبورگ آلمان، به عنوان رسول مهربانی است؛ سفیری که می خواست از شعله فروزان اسلام، قیسی بر گیرد تا جان های سرد اما مشتاق را گرم و روشن کند. این کتاب روایت تلاش ها و مجاهدت های مجدانه دکتر بهشتی، در عرصه



۱۳۵۹. دفتر رئیس دیوان عالی کشور، گفت و شنود مطبوعاتی شهید آیت الله دکتر سید محمد بهشتی

دشوار و طاقت سوز تعلیم و تربیت است. روایت رنج ها و سختی های فراوان ایشان در راه اندازی و مدیریت مدرسه دین و دانش، مدرسه علوی و مدرسه حقانی و کوشش بی وقفه اش در راه آموزش پرورش شاگردان مستعد، به ویژه طلبه ها و فضایی حوزه علمیه قم است. داستان نفوذ دکتر بهشتی به قلعه سخت سازمان تألیف و نشر کتاب های درسی ایران در زمان رژیم پهلوی و بیان گوشه های از تلاش های بی وقفه ایشان برای سامان بخشی به کتاب های تعلیمات دینی مقاطع مختلف تحصیلی، در آن دوره است. بهشتی در این حوالی، حکایت دغدغه ها، ایده ها، طرح ها و تلاش های مسئولانه و هدفمند دکتر بهشتی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که وفارزی کوتاه از زندگی بلند مرد بهشتی در شورای انقلاب و هدایت مدرانه و مدیریت عزتمندانه نخستین مجلس خبرگان قانون اساسی و ساماندهی و تحول در قوه قضائیه و مهم تر از همه راه اندازی حزب جمهوری اسلامی در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و مدیریت هوشمندانه و هدایت پیامبرانه این حزب نوباست. در یک کلام کارنامه بهشتی را می توان با کارنامه انقلاب اسلامی و حرکت هایی که بدان منتهی شد، مماس و منطبق دانست. دو دیگر اینکه بهشتی در این حوالی، حکایت یک از هزاران است. قطره ای ناچیز از دریایی بیکرانه وفارزی کوتاه از زندگی بلند مرد بهشتی است. سخن آخر اینکه وصف همه ویژگی ها برجستگی ها و خدمات این مرد بزرگ، در حد بضاعت قلم ضعیف حقیق نیست. امید که مطالعه، تأمل و تفکر در سبک زندگی و شیوه زیست این مرد بزرگ و اندیشمند توانا، خالی از لطف نباشد و کام علاقه مندان و دوستداران ایشان را شیرین کند: زبان از قصه فراماند و در دل باقی است بضاعت سخن آخر شد و سخن باقی است.»

۲۲ بهمن ۱۴۰۴، تظاهرات آزادیخواهان عظیم در تهران



جان سختی و بقای ۴۷ ساله نظام جمهوری اسلامی و عبور از بحران های اخیر، مجددا اثبات کرد که اکثریت مردم ایران به رغم همه مشکلات و اشکالات موجود ناشی از خطا و خیانت و نفوذ و نفاق و تحریم ها و تهدیدها و ترور یسم ها و جنگ ها، در کنار پیشرفت ها و موفقیت ها و جنبش های علمی و تکنولوژیک و تمدنی شگرف، همچنان بر عهد دیرین خویش باقی هستند. اما دلت کنده ها و عتقه شکنان و غارت خانه های علمی امریکا و اسرائیل در امارات و سعودی و بحرین و کویت و قطر و نظایر آن بر پا کرده اند، جز برای حقیر صفتان و دون اندیشی که می بیند؛ ند به عنوان نخبه و الیت و طبقه فرادست در جوامعی مانند امارات و سعودی، و از مال و منال بسیار و منصب بالا برخوردار خواهند بود و گمان می کنند زندگی در اردوگاه بردگان غرب با رفاه هالیوودی و سیطره تکنولوژی شیطانی و عیش رعیت وار در دستهای بروج مشرقی اربابان ثروت و قدرت و حاکمان وال استریت و سلیگون ولی و جزیر لیبتل سنت جیمز ایستین، موجب خوشبختی و تحقق آرزوهای